بازتاب

واکنش مالک شریعتی‌نیاسر نماینده مجلس به گزارش «شرق»

مالک شریعتی‌نیاسر، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، در واکنش به گزارش «شرق» با عنوان «نجات‌بخش صنعت نفت» که ۳۰ تیر ۱۴۰۴ منتشر شده، توضیحاتی را به روزنامه ارسال کرده است که در ادامه می‌خوانید:

۱- هدف اصلی ماده ۱۵ قانون برنامه هفتم پیشرفت شفاف‌سازی رابطه مالی و قراردادی است، نه تضعیف شرکت ملی نفت.

در مطلب منتشرشده ادعا شده که ماده ۱۵ «شرکت ملی نفت را به اداره‌ای بودجه‌بگیر» تبدیل می‌کند. این برداشت خلاف متن قانون است.

به منظور اجرای بند ۱۰ سیاست‌های ابلاغی رهبری معظم انقلاب در تدوین برنامه هفتم پیشرفت، براساس ماده ۱۵ این قانون، رابطه مالی بین دولت و شرکت ملی نفت برای نخستین بار به قراردادهای شفاف بلندمدت، میدان‌محور و مبتنی بر عملکرد تبدیل می‌شود.

این دقیقا اصلاح از «مدل اداری-بودجه‌ای» به «مدل تجاری-قراردادی» است، نه برعکس. به این معنی که دولت به جای بودجه‌ریزی متمرکز، هر میدان را یک پروژه اقتصادی مجزا می‌بیند که سازوکاری کاملا حرفه‌ای و شفاف است.

به‌علاوه با حذف سهم غیرشفاف و غیرمنطقی ۵/۱۴ درصد و تعیین سهم غیرثابت متأثر از هزینه واقعی توسعه هر میدان طبق قرارداد مستقل می‌توان تولید صیانتی از میادین نفت و گاز کشور را بیشتر تضمین کرد و انگیزه سرمایه‌گذاری برای توسعه لایه‌های عمیق‌تر و سخت‌تر و ازدیاد برداشت را برای شرکت‌های اکتشاف و تولید افزایش داد.

۲- ماده ۱۵ قانون برنامه هفتم پیشرفت استقلال عملیاتی و مالی شرکت ملی نفت را افزایش می‌دهد.

نویسنده مدعی شده این ماده استقلال شرکت را مخدوش می‌کند؛ درحالی‌که استقلال واقعی زمانی محقق می‌شود که شرکت ملی نفت براساس قانون اساسنامه شرکت ملی نفت، صرفا وظایف تصدی‌گری و عملیاتی را بر عهده بگیرد و طبق قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، نظارت بر قرارداد و عملیات شرکت‌های اکتشاف و تولید بر عهده وزارت نفت قرار گیرد.

به این منظور منابع مالی شرکت ملی نفت باید بر پایه درآمد واقعی میادین باشد، قراردادهای شفاف، قابل حسابرسی و عملکردمحور باشد و براساس سودآوری و بهره‌وری اداره شود. ماده ۱۵ قانون برنامه هفتم پیشرفت دقیقا همین اصول را پیگیری می‌کند و وابستگی فعلی شرکت نفت به بودجه سالانه را کاهش می‌دهد. این همان الگویی است که شرکت‌های نفت موفق مانند اکوئی‌نور نروژ و پتروناس مالزی مطابق آن عمل می‌کنند.

همچنین با تعیین سهم شرکت ملی نفت از محل تولید به جای صادرات، انگیزه برای تقویت صنایع پایین‌دستی و پرهیز از خام‌فروشی افزایش می‌یابد تا به سمت خنثی‌سازی اثر تحریم گام برداشته شود.

۳- ماده ۱۵ قانون برنامه هفتم پیشرفت مسیر رقابت و تجاری‌سازی صنعت نفت را باز می‌کند.

در مطلب منتشرشده ادعا شده این ماده «مانع تجاری‌سازی» است؛ درحالی‌که بند (۶) ماده ۱۵ قانون برنامه هفتم پیشرفت تصریح می‌کند: فعالیت‌های اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری باید از طریق سازوکارهای رقابتی و صدور پروانه به شرکت ملی نفت و دیگر شرکت‌های واجد صلاحیت واگذار شود.

این یعنی رقابت واقعی بین NIOC و شرکت‌های غیردولتی که زمینه حضور سرمایه‌گذاران غیردولتی است، فراهم می‌شود.

۴- امکان استفاده از سرمایه‌های مردم و ایجاد صندوق‌های پروژه و شرکت‌های سهامی عام پروژه.

زمانی که برای هر میدان قرارداد مشخص و مستقل تنظیم شود، برای نخستین بار می‌توان میدان‌های نفتی را به صندوق پروژه یا شرکت سهامی عام پروژه تبدیل کرد. این یعنی مشارکت سرمایه مردم، افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و تبدیل صنعت نفت به پیشران رشد اقتصادی و اشتغال.

۵- اشکالات متن منتشرشده در روزنامه شرق ناشی از غلبه تحلیل سیاسی بر تحلیل فنی است.

در بخش‌هایی از مطلب، به جای اشاره به مدل‌های مالی، ساختار قراردادی، استانداردهای بین‌المللی و سیاست‌گذاری انرژی، به موضوعات سیاسی و برداشت‌های شخص‌محور پرداخته شده است. این رویکرد با رسالت مطبوعات که ارائه تحلیل مستند و کارشناسی است، سازگار نیست.

۶- تأیید رسمی وزارت نفت نشان‌دهنده نادرستی تحلیل روزنامه شرق است.

بااهمیت‌ترین نکته آن است که معاون وزیر نفت در نظارت بر منابع هیدروکربوری، آقای سجاد خلیلی -که بالاترین مرجع تخصصی در حوزه مذکور محسوب می‌شود- به‌تازگی در مصاحبه با رسانه روابط‌عمومی وزارت نفت (شانا) به‌صراحت اعلام کرده است:

اصلاح رابطه مالی دولت و شرکت ملی نفت ضروری، اجتناب‌ناپذیر و شرط حفظ تولید است؛

با روند فعلی، شرکت ملی نفت در مسیر تضعیف و حتی ورشکستگی عملیاتی قرار دارد؛

سهم واقعی شرکت ملی نفت از درآمد فروش به کمتر از هشت درصد سقوط کرده؛

برای رسیدن به تولید پایدار، سهم شرکت باید به ۲۲ درصد افزایش یابد؛

بیش از ۷۰ درصد میادین ایران در پنج سال آینده نیمه‌عمر می‌شوند و نیاز به سرمایه‌گذاری فوری دارند.

این اظهارات رسمی و کارشناسی، برخلاف برداشت روزنامه شرق، تأکید می‌کند که ماده ۱۵ قانون برنامه هفتم پیشرفت نه تهدید، بلکه تنها ابزار بقای تولید نفت کشور است.

بنابراین روشن است که تحلیل ارائه‌شده در آن مطلب، نه مبتنی بر واقعیت‌های فنی و اقتصادی، بلکه عمدتا سیاسی و غیرکارشناسی بوده است.

جمع‌بندی

ماده ۱۵ قانون برنامه هفتم پیشرفت:

رابطه مالی و قراردادی صنعت نفت را شفاف می‌کند.

به خنثی‌سازی اثر تحریم‌ها کمک می‌کند.

به تولید صیانتی تضمین بیشتری می‌بخشد.

وظایف حاکمیتی وزارت نفت را از وظایف عملیاتی شرکت ملی نفت تفکیک می‌کند.

استقلال عملیاتی مالی شرکت ملی نفت را افزایش می‌دهد.

رقابت و تجاری‌سازی فعالیت‌ها و بخش غیردولتی را تقویت می‌کند.

زمینه سرمایه‌گذاری مردم و رشد اقتصادی را فراهم می‌کند،

و مطابق تأکید رسمی معاون وزیر نفت، پیش‌نیاز حفظ تولید نفت کشور است.

بنابراین بخش‌های درخور توجهی از تحلیل روزنامه شرق مخدوش، غیرمستند و خلاف منطق اقتصادی و حقوقی مندرج در این ماده قانونی است.

صاحب‌نظران در مراسم رونمایی کتاب روایت همایون انتشارات «شرق»، به بررسی دیدگاه‌های محمدعلی همایون‌کاتوزیان درباره مسئله توسعه در ایران پرداختند

توسعه به روایت فیلسوف اقتصاد

شرق: «وقتی در سال ۱۳۷۲ نخستین چاپ فارسی کتاب «اقتصاد سیاسی ایران» نوشته دکتر محمدعلی همایون‌کاتوزیان منتشر شد، در جوامع علمی و دانشگاهی ایران رخدادی مهم جلوه کرد و مورد استقبال قرار گرفت. در ایران بعد از انقلاب، گستره و عمق تبیینی علوم اجتماعی به‌شدت تحلیل رفته بود و فضای دهه اول پس از انقلاب نیز نیاز به چنین تحلیل‌هایی را منعکس نمی‌کرد. در واقع نگاه‌های انقلابی و ایدئولوژیک همراه با آرمان اسلامی‌سازی علوم انسانی، انگیزه و زمینه را برای اندیشه و نظریه‌پردازی درباره مسائل سیاسی و اجتماعی منتفی کرده بود و حتی به دستاوردهای علم اقتصاد نیز به دیده تردید نگریسته می‌شد. بنابراین در شرایطی که دست‌کم برای یک دهه همه‌چیز در نظام دانشگاهی ایران متوقف بود، انتشار یک کتاب تحلیلی نوآورانه در ایران از یک متفکر برجسته حوزه جامعه‌شناسی تاریخی ایران که در تحلیلی میان‌رشته‌ای به این مسئله پرداخته است، کاری بدیع و تحول‌آفرین تلقی می‌شد». این چکیده‌ای از پیشگفتار کتاب روایت همایون از مسئله توسعه در ایران و از سلسله کتاب‌های توسعه است که به همت مجموعه پویش فکری توسعه تهیه و تدوین می‌شود و تحلیل اندیشمندان ایرانی را درباره مسئله توسعه در ایران روایت می‌کند. در نشست رونمایی این کتاب که به میزبانی مؤسسه دین و اقتصاد برگزار شد، صاحب‌نظران به بررسی این کتاب پرداختند.

رابطه پیچیده سنت و تجدد و نسبت آن با توسعه

عباس حاتمی، نویسنده کتاب روایت همایون، در نشست رونمایی این کتاب درباره نگاه همایون‌کاتوزیان به مسئله توسعه در ایران، به رابطه پیچیده سنت و تجدد اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «وقتی گفته می‌شود سنت‌ها را تجددآمیز کرده و ادغام کنیم، این موضوع از آن نظر طرح می‌شود که بسیاری از سنت‌هایی که درباره آنها صحبت می‌کنیم، ممکن است اساسا با تجدد به‌شدت ناسازگار باشند. مسئله این است که چگونه در حوزه آموزش در این زمینه صحبت کنیم و در اینجا کار را پیش ببریم. پرسش این است که اگر میان این دو یک تضاد بنیانی وجود داشته باشد و اگر شما آن بخش تجدد را کنار بگذارید، اساسا دیگر چه سؤالی باقی می‌ماند و چه پیوندی می‌توان برقرار کرد و درباره چه موضوعی باید صحبت و تجمع کرد؟». او ادامه می‌دهد: «بنابراین مسئله‌ای که وجود دارد و باید به آن توجه شود، این است که بخشی از سنت‌ها را که با تجدد همسو هستند، بپذیریم. این موضوع تا حد زیادی نیز به زمینه فرهنگی بازمی‌گردد. بسیاری از جوامعی که در مسیر تجدد به سنت پایبند هستند، مانند ژاپن، دارای سنت‌هایی هستند که واجد میزان درخور توجهی از انعطاف هستند تا بتوانند تجدد را بپذیرند. تأکید بسیاری از جوامع نیز بر این است که زمینه فرهنگی آنها سنت‌هایی دارد که امکان ادغام با تجدد را ندارند؛ بنابراین نمی‌توان به‌طور کلی حکم صادر کرد درباره اینکه میان سنت و تجدد چه نسبتی ایجاد می‌شود». به گفته حاتمی، «باز نگاه کنید، مرحوم بازرگان معتقد بود در مسیر توسعه می‌خواهم سنت و تجدد را با هم ترکیب کنم؛ این دو خیلی هم متضاد نیستند. نتیجه چه شد؟ و باز تأکید می‌کنم توسعه، توسعه است؛ چه با سنت و چه با تجدد. ما برای پیوند میان سنت و تجدد نیازمند نگاهی دقیق‌تر هستیم تا این رابطه را روشن‌تر بررسی کنیم. این موضوع نیز بسیار مهم است؛ زیرا چه بخواهیم و چه نخواهیم، در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که حداقل تا اینجا، این رابطه سنت مشخص نشده است و در فرایند تجدد دچار چالش‌ها و درگیری‌هایی هستیم. به نظر من هنوز نتوانسته‌ایم این بخش از سنت را دسته‌بندی و شناسایی کنیم».

آگاهی اجتماعی نسبت به رابطه رادیکالیسم و آشوب

علی‌اصغر سعیدی، جامعه‌شناس اقتصادی هم در این نشست تأکید می‌کند که برای درک دقیق دیدگاه‌های همایون‌کاتوزیان، مراجعه به نسخه انگلیسی کتاب ضروری است، به‌ویژه در بخش اقتصاد سیاسی؛ چراکه هنگام انتشار ترجمه فارسی در سال ۱۳۶۴، جامعه ایران با نظریه‌های نوین این حوزه آشنا نبود. او به تجربه‌ای در دوران دانشجویی اشاره می‌کند و می‌گوید: «به‌عنوان مثال در سمیناری، پروفسور هاشم پسران درباره رانت‌جویی سخن گفته بود، درحالی‌که حتی برخی استادان ایرانی هنوز شناخت کافی از مفهوم رانت نداشتند». سعیدی ادامه می‌دهد: «در آن جلسه من شاهد بودم که حتی آقای دکتر نیز از خودِ مسئله رانت اطلاع چندانی نداشتند. بعدا ایشان می‌گفتند که آقای مهدوی نخستین کسی بود که درباره رانت یک مقاله نوشته و نفر دوم خودِ ایشان هستند که چارچوب نظری اقتصاد سیاسی نفت را ارائه داده‌اند. اگر چارچوب نظری نفت را خوانده باشید، می‌دانید که یک بُعد اجتماعی کاملا مشخص در آن وجود دارد؛ یعنی رابطه نفع طبقات اجتماعی و تمایز نفت به‌عنوان یک منبع طبیعی. اما به هر صورت، این موضوع اهمیت زیادی دارد که به دو کار توجه کنیم: یکی اثر آقای دکتر اشرف، یعنی همان کتاب «موانع سرمایه‌گذاری در دوران قاجار» و دیگری کتاب آقای اختصاصی که از این نظر اهمیت دارد که تا آن زمان تنها اندیشه‌های کمونیستی یا مارکسیستی نظریه غالب در ایران بود». این کارشناس همچنین تأکید می‌کند: «وقتی درباره اندیشمندی صحبت می‌شود، باید بررسی کرد که کدام بخش از زندگی او در شکل‌گیری آن اندیشه تأثیر داشته است. درباره دموگرافی محله‌هایی که ایشان در آن رفت‌وآمد داشته، همچنین مشارکت‌هایی که در خرید ملکی یا همراهی با جلال آل‌احمد داشته، مطالبی بیان شده است. ایشان درباره مدرسه البرز و افرادی که در آن مدرسه بر او تأثیر گذاشته‌اند نیز سخن می‌گوید. به نظر من، یک نویسنده باید به این نکات توجه کند؛ زیرا این موارد بیان می‌کند زندگی‌نامه چه ارزشی دارد». سعیدی می‌گوید: «آقای دکتر کاتوزیان خود را مقید به چارچوب‌های رایج میان‌رشته‌ای که ما به آنها می‌نگریم، نمی‌داند. از همه مهم‌تر، ایشان تاریخ ایران را بررسی کرده و سپس نظریه‌ای ارائه داده است. اینکه بگوییم او وام‌دار فلان مکتب است یا نهادگراست، چندان دقیق نیست؛ اگرچه ممکن است برخی عناصر اندیشه‌اش با نهادگرایی همخوانی داشته باشد، اما نمی‌توان آن را صرفا وام‌گیری دانست. هرچند باید گفت به نظر من، تا سال ۱۳۶۰ تنها دو نفر نظریه مارکسیستی رایج در روایت تاریخ ایران را به چالش کشیدند؛ یکی ایشان و دیگری دکتر اشرف. پس از آن، آقای طباطبایی و دیگران در ادامه این مسیر قرار گرفتند». سعیدی می‌افزاید: «نظریه کاتوزیان یک نظریه «خُرد-کلان» است و الگوی «آشوب، استبداد و خودکامگی» را در تاریخ ایران تبیین می‌کند. برای نمونه، از مشروطه تا ۱۳۰۴ دوره آشوب، از ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۲ دوره استبداد و از ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۰ دوره خودکامگی رضاشاه معرفی می‌شود. درباره دهه ۳۰ نیز دیدگاه‌ها متفاوت است؛ برخی آن را بحران دموکراسی می‌دانند و کاتوزیان آن را دوره آشوب می‌نامد. به‌طور مشابه، از ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱ دوره استبداد تلقی می‌شود. این نظریه در عین کلان‌بودن، امکان پیش‌بینی روندها را نیز فراهم می‌کند. او توضیح می‌دهد: «همان‌طور که گفته شد، پس از انقلاب، گرایش به ساختن یک جامعه بلندمدت دیده می‌شود، اما این موضوع نظریه را رد نمی‌کند؛ زیرا نظریات علوم اجتماعی بازتابی هستند و با افزایش آگاهی جامعه، مسیرهای تاریخی تغییر می‌کند. مانند نظریه مارکس که ناخودآگاه به توازن میان سرمایه و کار و در نتیجه بقای نظام سرمایه‌داری کمک کرد». به گفته سعیدی، «این بازتابی‌بودن در جامعه ایران هم دیده می‌شود؛ ارجاعات گسترده به نظریه کاتوزیان نوعی آگاهی عمومی ایجاد کرده که اقدامات رادیکال می‌توانند دوباره به آشوب منجر شوند. در نظام سیاسی هم این آگاهی به وجود آمده که گشایش ناگهانی می‌تواند دوره آشوب ایجاد کند. در نتیجه، هم جامعه و هم حکومت حساسیت بیشتری درباره پیامدهای رادیکالیسم پیدا کرده‌اند».

اهمیت تحلیل میان رشته‌ای کاتوزیان از توسعه

در ادامه این نشست علی جعفری‌شهرستانی، کارشناس اقتصاد می‌گوید: «پس از فروپاشی ایدئولوژیک نظام شوروی پس از استالین، نخستین اندیشمندی که از چارچوب «جامعه آسیایی» مارکس برای توضیح توسعه‌نیافتگی جوامع شرقی استفاده کرد، نویسنده‌ای بود که کتاب استبداد شرقی را در سال ۱۹۵۷ منتشر کرد. این تحول نظری باعث شد متفکران حوزه توسعه‌نیافتگی ایران نیز از همین الگو بهره بگیرند. ازجمله خانم لمبتون در کتاب مالک و زارع در ایران به تحول‌نیافتن ابزارهای تولید و نبود نظام طبقاتی پایدار اشاره کرد؛ هرچند به صورت محدود». این مسیر با بومی‌سازی‌های دکتر اشرف و سپس در کامل‌ترین شکل آن با نظریه‌پردازی دکتر کاتوزیان ادامه یافت». او در ادامه می‌گوید: «به گمان من، کاتوزیان با دقت، انسجام نظری و احاطه بر تاریخ و ادبیات ایران، چارچوب «جامعه آسیایی» مارکس را در سطحی نوآورانه بازسازی و در قالب نظریه «جامعه کوتاه‌مدت» یا «جامعه کلنگی» تبیین کرد. او نشان داد که شبه‌مدرنیسم در تاریخ ایران همواره در چرخه‌ای از استبداد و هرج‌ومرج بازتولید شده و این الگو با شواهد تاریخی متعدد قابل اثبات است». به گفته این کارشناس، «کاتوزیان همچنین توجه ویژه‌ای به ادبیات داشت و آن را نه صرفا یک هنر، بلکه بخشی از شواهد تاریخی و اجتماعی قابل استناد می‌دانست؛ همان دیدگاهی که استاد رضاقلی نیز بر آن تأکید داشت و در کنار این مسیر، دستگاه‌های نظری دیگری نیز در ایران به کار گرفته شد؛ ازجمله چارچوب نژاد در کتاب آزادی نافرجام که حاصل مطالعات اقتصاد سیاسی بود. به‌نظر می‌رسد پس از این آثار، ضرورت تجهیز پژوهش تاریخی به نظریه‌های دقیق و چندوجهی بیشتر روشن شد». به گفته جعفری‌شهرستانی، «در حوزه اقتصاد سیاسی نیز دو مطالعه جدی وجود دارد که می‌تواند نقش مهمی در تکمیل این مباحث داشته باشد. کار آقای دکتر کاتوزیان را نمی‌توان صرفا از منظر اندیشه نهادی بررسی کرد؛ اگرچه رگه‌هایی از نگاه نهادی در آثار ایشان مشاهده می‌شود. به نظر من، دو اثر مهم در حوزه اندیشه نهادی وجود دارد که به مسئله توسعه مرتبط است. یکی از این آثار، مقاله‌ای است که تحت عنوان «نقش توسعه» منتشر شده و به فارسی نیز در کتاب «نهادها و توسعه» ترجمه شده است. در این مقاله، در واقع چرخه‌ای از تأثیر متقابل نهادهای سیاسی و اقتصادی بر یکدیگر ترسیم شده است». این استاد دانشگاه علامه طباطبایی تأکید می‌کند: «به‌طور خلاصه، در این چارچوب، نهادهای سیاسی در دوره حاضر، قدرت سیاسی رسمی را می‌سازند؛ این قدرت سیاسی، عملکرد اقتصادی را شکل می‌دهد و موازی با آن، نهادهای رسمی در دوره بعدی شکل می‌گیرند. در بررسی‌های انجام‌شده آمده است که این چارچوب، وابستگی به مسیر طی‌شده را از طریق دو مکانیسم توضیح می‌دهد و سؤال اصلی این است که اگر از این چرخه خارج شویم، چه نتایجی حاصل می‌شود. در واقع، این وابستگی به مسیر طی‌شده یا تجارب گذشته مورد بررسی قرار می‌گیرد». جعفری‌شهرستانی همچنین می‌گوید: «با این رویکرد، این سؤال مطرح می‌شود که اصلاحات موفق چه زمانی رخ می‌دهد؟ شواهد تاریخی نشان می‌دهد که تغییر نهادهای اقتصادی اتفاق افتاده، اما منجر به اصلاحات پایدار نشده است. در این مقاله، این موضوع به‌عنوان «اثر الهی ساختار قدرت» معرفی شده است؛ به این معنا که تغییر در ساختار رسمی مانع از اصلاحات می‌شود. همچنین، در چارچوبی که به آن «قانون الیگارشی» گفته می‌شود، تغییر قدرت سیاسی رسمی نیز غالبا منجر به اصلاحات نمی‌شود و ناکامی برخی انقلاب‌ها در این زمینه مثال زده شده است».

او ادامه می‌دهد: «به نظر من، این دستگاه نظری کمک می‌کند ذهنیت ما نسبت به نظریات کاتوزیان درباره جامعه کوتاه‌مدت و چرایی رخ‌ندادن تغییر را بهتر درک کنیم. البته آقای عجم‌اوغلو و رابینسون در این چارچوب، راه خروجی برای اصلاحات ترسیم نکرده و می‌گویند مسیر توسعه یگانه است؛ یعنی نمی‌توان به صراحت گفت چه اصلاحاتی موفق خواهند بود. این موضوع در نظریه بلندمدت کاتوزیان نیز وارد شده است. ایشان در کتاب و گفت‌وگوهای دیگر اشاره می‌کنند که توصیف گذشته به معنای پیش‌بینی قطعی آینده نیست. برای مثال، ایشان از انقلاب مشروطه، تحولات عصر حاضر و تحولات انقلاب اطلاعات یاد می‌کند». این اقتصاددان تأکید می‌کند: «به نظر من، این موضوع ممکن است دقیق‌تر در قالب نظریه داگلاس نورث، تحت عنوان «نظم‌های اجتماعی»، دیده شود. نورث جوامع را از منظر مسئله توسعه در دو قالب بررسی می‌کند؛ «نظم طبیعی محدود» و «نظم دسترسی باز». نظم دسترسی محدود خود در سه حالت دسته‌بندی می‌شود و برای گذار از این حالت به نظم دسترسی باز، سه شرط یا پیش‌شرط تعیین می‌شود. این رویکرد در واقع رهیافتی برای خروج از چرخه‌ای است که آقای کاتوزیان نیز به آن تأکید دارد و به ما الگویی ارائه می‌کند؛ اگرچه ایشان در آثار خود به تفصیل به آن نپرداخته‌اند و پشتیبانی از سازمان‌ها، استمرار آنها و کنترل متمرکز خشونت از نکات مهم این الگو است».

فقر تفکر گرفتاری توسعه

فرشاد مومنی، اقتصاددان، در پایان این نشست می‌گوید: «واقعیت آن است که ما با گرفتاری بزرگی مواجه هستیم؛ این گرفتاری ناشی از آن است که انرژی و منابع فکری مورد نیاز برای فهم اوضاع و احوال و تحلیل برون‌رفت از بحران‌ها، بسیار کمتر از حد لازم صرف شده است. بنابراین، هرکس در این مسیر گام برمی‌دارد، شایسته تقدیر و سپاس است، حتی اگر بخش بزرگی از دیدگاه‌ها و نقدها بدون توجه کامل بررسی شود. برای نمونه، کتاب اقتصاد ایران در دوران جمهوری اسلامی نوشته جهانگیر آموزگار، ادعای بزرگی را مطرح کرده است». مومنی می‌افزاید: «او مدعی است اداره اقتصاد ایران در دوره پهلوی بدون مشکل بوده و تمامی ظرفیت‌ها و جهت‌گیری‌های لازم برای توسعه را داشته است و صرفا رویکرد سرکوب سیاسی رژیم پهلوی موجب شده تا دستاوردهای توسعه اقتصادی از بین برود. به نظر او، اگر محمدرضا شاه و رژیمش این مشکلات را برطرف می‌کردند، ایران می‌توانست به توسعه دست یابد». این اقتصاددان همچنین توضیح می‌دهد: «در بخش دوم کتاب، آموزگار ادعا می‌کند که در ۱۰ سال اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کارنامه اداره اقتصاد ایران بسیار آبرومند بوده است، اما این موفقیت هیچ ربطی به عملکرد حکومت نداشته و صرفا نتیجه سرمایه‌های عظیم به‌جامانده از دولت پهلوی بوده است. در بخش سوم، کتاب به‌شدت به مدیریت اقتصادی پس از جنگ حمله می‌کند و مدعی است سیاست‌های اتخاذشده، دقیقا همان اقداماتی بوده که از محمدرضاشاه تقلید شده است». مومنی توضیح می‌دهد: «شدت تعصب و پافشاری آموزگار به حدی بود که حتی مستندات برنامه‌های پنجم و ششم که در دوره پهلوی توسط سازمان برنامه تهیه شده بود، توسط او پذیرفته نشد و ادعای خود را به‌شدت مورد تأکید قرار داد». این اقتصاددان در ادامه تأکید می‌کند: «ما در شناخت اقتصاد ایران به میزان قابل توجهی فقیر هستیم و بر همین اساس، مؤکدا توصیه شده که کتاب مورد نظر حتما منتشر شود. همچنین پیشنهاد شد که به خاطر شأن علمی نویسنده، عبارت‌های بسیار رکیک و عصبی حذف شوند و آنجاهایی که ادعاهای غیرمتعارف مطرح شده و حتی با مستندات برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره پهلوی مغایرت دارد، در پاورقی ذکر شود. در چنین بستر علمی و فقیر از نظر منابع و شناخت، فردی با استانداردهای آقای دکتر کاتوزیان ظاهر شده است». مومنی می‌گوید: «در این کتاب و مجموعه آثار ایشان، هیچ ادعایی درباره توسعه مطرح نشده، بلکه تلاش شده است تا رفتارها و منطق‌هایی که به نظر ایشان حیاتی و تکرارشونده هستند، در معرض دید و قضاوت ایرانیان قرار گیرد. در این زمینه، کار ایشان بسیار درخشان و خدماتش کم‌نظیر است. بنابراین، استفاده از تعابیری انتقادی برای توصیف نقص‌ها، نباید موجب نادیده‌گرفتن خدمات بی‌بدیل او شود». او همچنین می‌گوید: «درخصوص سازوکارهای برون‌رفت از بن‌بست توسعه‌نیافتگی، ممکن است این کتاب ارائه‌ای شسته‌رفته نداشته باشد، اما یکی از ویژگی‌های ممتاز ایشان، اهل گفت‌وگو بودن و صبوری در پاسخ به نقدهاست؛ یعنی هر آنچه در بحث‌ها مطرح می‌شود، با دقت مطرح می‌کند و در همان چارچوب خود پاسخ می‌دهد». او می‌افزاید: «هر زمان که کاتوزیان در مورد اقتصاد سخن گفته، سخنانی علمی و مستدل ارائه کرده است؛ زیرا او قبل از آنکه یک اقتصاددان یا مورخ باشد، یک فیلسوف علم اقتصاد است و نگاه او به مسائل اقتصادی همواره با چارچوب تحلیلی و فلسفی همراه بوده است».

کاتوزیان همچنین توجه ویژه‌ای به ادبیات داشت و آن را نه صرفا یک هنر، بلکه بخشی از شواهد تاریخی و اجتماعی قابل استناد می‌دانست؛ همان دیدگاهی که استاد رضاقلی نیز بر آن تأکید داشت

خبر

اعدادی که درباره «نهنگ بازار سرمایه» باید به خاطر سپرد
سود هلدینگ خلیج فارس چقدر است؟

نهنگ بازار سرمایه ایران در حالی سود سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۴۰۴ را ۱۲۶ هزار میلیارد تومان اعلام کرده که این مبلغ در سال مالی قبل ۷۷ هزار میلیارد تومان بوده است. این اعداد حاکی از رشد ۴۹ هزار میلیاردتومانی سود هلدینگ خلیج فارس است؛ موضوعی که سبب شد تا در مجمع عادی سالانه این شرکت ۵۱ هزار میلیارد تومان سود میان سهامداران تقسیم شود. سود تقسیمی که ۱۰هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان بیش از سال ۱۴۰۳ بود. مهم‌تر اینکه این شرکت امسال مبلغ ۲۹ هزار میلیارد تومان سود ناشی از فروش سرمایه‌گذاری‌ها را طبق ماده ۵۸ اساسنامه به صورت سهام جایزه‌ای در نظر گرفت. علاوه‌براین ۲۵ هزار میلیارد تومان نیز تا پایان سال جاری به‌عنوان سهام جایزه به سهامداران پرداخت می‌کند. ضمن اینکه هلدینگ خلیج فارس ۲۳هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان بابت سود ۱۲۶ همتی خود به دولت مالیات پرداخت کرده است.

نصب پنل خورشیدی در هند رکورد زد

هند در ۹ ماه اول سال جاری، رکورد ۴.۹ گیگاوات ظرفیت پنل خورشیدی پشت‌بامی را ثبت کرد که این رقم در مقایسه با سال گذشته، ۱۶۱ درصد افزایش داشته است. به گزارش ایسنا، نتایج گزارش بازار پنل خورشیدی پشت‌بامی هند در سه‌ماهه سوم ۲۰۲۵ نشان می‌دهد نصب پنل‌های خورشیدی پشت‌بامی، ۲۹ درصد نسبت به سه‌ماهه قبل و ۱۶۴ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش یافت و به ۲.۱ گیگاوات رسید. طرح «سوریا غار پی‌ام» (PM Surya Ghar) دولت هند، ۷۳ درصد از نصب پنل‌های خورشیدی پشت‌بامی را در این سه ماه به خود اختصاص داد و بخش صنعتی هند تقریبا سهم ۲۰درصدی در این افزایش ثبت کرد. همچنین بخش‌های تجاری و دولتی به ترتیب سهمی نزدیک به شش درصد و بیش از یک درصد داشتند. اوتار پرادش، ماهاراشترا و گجرات، ایالت‌های پیشرو در نصب پنل‌های خورشیدی پشت‌بامی در این سه‌ماهه بودند. نصب پنل‌های خورشیدی پشت‌بامی در ۹ ماه اول سال جاری از تمام موارد اضافه‌شده در سال گذشته پیشی گرفته است. راج پرابو، مدیرعامل گروه «مرکم کپیتال» (Mercom Capital) گفت: نصب پنل‌های خورشیدی روی پشت‌بام در منازل مسکونی که سه سال پیش فقط یک‌سوم از کل نصب پنل‌های خورشیدی روی پشت‌بام را تشکیل می‌دادند، اکنون سهم ۷۵درصدی دارند. پیش‌بینی می‌شود که این روند تا رسیدن به هدف طرح «سوریا غار پی‌ام» ادامه یابد؛ هدف این طرح، ارائه پنل‌های خورشیدی روی پشت‌بام به ۱۰ میلیون خانوار تا مارس ۲۰۲۷ است. راج پرابو افزود: حفظ این روند در مسیر درست، کنترل کیفیت در سیستم‌های مسکونی و چالش‌های مداوم هزینه و عرضه، نیازمند توجه مداوم سیاست‌گذاران است. سایت رینووبلز ناو گزارش کرد در پایان این دوره، ظرفیت تجمعی نصب پنل‌های خورشیدی روی پشت‌بام در هند ۱۸.۶ گیگاوات بود. «مرکام کپیتال» به تازگی گزارش داد هند در ۹ ماه اول سال جاری، ۲۶.۶ گیگاوات انرژی خورشیدی نصب کرده که ۵۳.۷ درصد بیشتر از مدت مشابه در سال ۲۰۲۴ است.

افزایش قیمت نفت هم‌زمان با امید به صلح اوکراین و روسیه

نشانه‌های پیشرفت مذاکرات صلح و احتمال لغو تحریم‌های انرژی روسیه باعث شد قیمت نفت پس از افت روز سه‌شنبه، روز گذشته اندکی رشد کند. به گزارش خبرنگار مهر، به نقل از رویترز، قیمت نفت که سه‌شنبه به پایین‌ترین سطح یک‌ماهه رسیده بود، روز گذشته تحت تأثیر امید به توافق صلح میان اوکراین و روسیه افزایش یافت. نفت برنت با ۳۲ سنت رشد به ۶۲ دلار و ۸۰ سنت و وست‌تگزاس اینترمدیت با ۲۷ سنت افزایش به ۵۸ دلار و ۲۲ سنت رسید. این دو شاخص دیروز پس از اظهارات زلنسکی مبنی بر آمادگی برای سازوکار پایان جنگ با حمایت آمریکا، حدود ۸۹ سنت افت کرده بودند. تحلیلگران می‌گویند در صورت نهایی‌شدن توافق، تحریم‌های غرب علیه انرژی روسیه برداشته می‌شود و احتمال کاهش قیمت نفت آمریکا تا حدود ۵۵ دلار وجود دارد.